

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۳، شماره ۵۰، زمستان ۱۴۰۰، صص ۸۱-۹۸

تاریخ دریافت: ۹۹/۹/۶، تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۸

(مقاله پژوهشی)

هویت در شعر معاصر تاجیکستان

فروغ نفیسی^۱، دکتر حسین اسماعیلی^۲، دکتر رقیه ابراهیمی‌زاد^۳



چکیده

زبان شیرین فارسی ریشه در اعماق تاریخ کهن سال ایران دارد. این زبان همانند سلاحی بسیار موثر توانسته است، فرهنگ غنی و پربار مردم ایران را در برابر حوادث و آسیب‌های مخرب روزگار، محفوظ بدارد. اکنون با استقلال کشور تاجیکستان، بار دیگر قدرت عظیم خود را در مبارزه با هجوم زبان‌های بیگانه، نشان داده، و توانسته است، در بر روی ورود شعر و ادبیات بیگانه بندهد و در برابر زبان کهن سال فارسی که می‌رفت، تا به کلی از آن خطه رخت بریندد و زبان بیگانه‌ای جانشینش شود، آغوش بگشاید و مسیر تازه‌ای در پیش گیرد. اینک پس از سال‌ها کوشش و مبارزه برای به تصویب رساندن زبان فارسی و استقلال این کشور مستقل، در آثار شاعران و نویسندگان این دیار به روشنی، عشق به میراث گذشتگان، یعنی فرهنگ پربار اسلامی و زبان و ادبیات فارسی مشاهده می‌شود، در این مقاله کوشش شده‌است، تا با روش توصیفی - تحلیلی، محتوای آثار شاعران معاصر تاجیکستان مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژه: هویت، شعر، تاجیکستان، زبان، دین، قومیت.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران، ایران.

forough.nona@gmail.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران، ایران. (نویسنده مسؤول)

esmailhosien7@gmail.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران، ایران.

R.ebrahimizad@gmail.com

مقدمه

قوم تاجیک قرن‌ها در سرزمین خراسان بزرگ و در کنار ایرانیان هموطن خویش با سرافرازی و شایستگی می‌زیسته است، این قوم با تقسیم شدن خراسان بزرگ و جدا شدن از دیگر ایرانیان، رنج‌های زیادی تحمل کرده‌اند، در طول ۱۵۰ سال اخیر با این که مصیبت‌ها کشیدند، و ناسازگاری‌های فراوانی دیده‌اند. با این وجود عشق و علاقه خود را به زبان و ادبیات فارسی پنهان نکردند، تا این که سرانجام احیاگر زبان و فرهنگ غنی فارسی، این میراث گران‌بهای نیاکان خود شدند. سلطه حکومت کمونیستی، هفتاد سال طول کشید، بعد از اینکه حکومت شوروی سابق سقوط کرد (۱۹۹۱) و تاجیکستان به صورت مستقل درآمد، زمینه رشد و گسترش زبان فارسی، یعنی زبان مادری آنان، فراهم شد.

طول این دوره هفتاد ساله زبان و ادبیات فارسی مورد بی‌مهری سلطه‌گران قرار داشت، و حکومت اصرار داشت که، مردم به زبان روسی بگویند و بنویسند. زبان روسی را، زبان رسمی مردم اعلام کردند، و زبان فارسی را تحقیر می‌کردند. در سال ۱۹۲۹م خط فارسی را به لاتین درآوردند، و ده سال بعد خط روسی را (سیریلیک) جانشین خط لاتین کردند، با این هدف که رابطه مردم فارسی زبان با کشورهای همسایه قطع شود. با جدا کردن بخارا و سمرقند، در دوران استالین، که دشمنی خود را با این زبان و فرهنگ نشان داده بود، موجب خشم و اندوه مردم شدند. (ر.ک: شکورزاده، ۱۳۸۵: ۵۱۷-۴۱۹).

زبان فارسی در دوران هفتاد سال سلطه شوروی به صورت دو مرحله ادامه یافت: الف- از سال ۱۹۱۸م تا آخر سال‌های ۱۹۸۰م که ادبیات فارسی مطالبی کلیشه‌ای و خشک داشت، که شامل وصف حکومت‌گران و تأیید آنان بود. شاعران، مبلغ افکار سوسیالیستی و حزبی بودند، و اینگونه ادبیات در زمره ادبیات تعلیمی بوده است. نمایندگان اشعار رئالیستی در این دوره عبارتند: از صدرالدین عینی، حبیب یونسی، پیرو سلیمانی، که تحت تأثیر شعر روسی قرار داشتند، که از اواخر سال‌های هشتاد (نیمه دوم قرن هشتم) تاکنون که مرحله گذر از ادبیات رئالیسم سوسیالیستی است، و پس از فروپاشی شوروی و استقلال تاجیکستان در سال ۱۹۹۹ است، ادامه دارد. در این مرحله ادبیات تاجیکی توانست در سطح گسترده‌ای به آزادی‌هایی دست یابد، و دیدگاه شاعران به روسی گریزی تبدیل شود (ر.ک: علی‌اکبرزاده، ۱۳۹۱:

(۱۵۷).

پیشینه تحقیق

پژوهشگران علاقه‌مند به فرهنگ و زبان فارسی و گذشته درخشان سرزمین کهن ایران در فرصت‌های اندکی که در سالیان اخیر به دست آورده‌اند، با نگارش مقاله و یا انتشار کتاب‌هایی متناسب با موقعیت خود، دل‌بستگی به فرهنگ و تاریخ گذشته تاجیکستان را نشان داده‌اند، که در این جا به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

شکورزاده، میرزا (۱۳۸۵) *تاجیکان در مسیر تاریخ*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

نفیسی، سعید (۱۳۸۵) *سرزمین نیاکانم*، تاجیکان در مسیر تاریخ، صص ۳۷-۳۹.

افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۵) *مقدمه‌ای بر شناخت قوم تاجیک*، تاجیکان در مسیر تاریخ، صص ۹۸-۹۳.

محیط طباطبائی، محمد (۱۳۸۵) *درباره لفظ تاجیک و تات*، مجله «آینده» سال دوازدهم، چاپ تهران، صص ۳۴۹-۳۴۳.

موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۸) *از ساقه تا صدر*، تهران: نشر قدیانی.

شعر دوست، علی اصغر (۱۳۹۱) *پیکی از سرزمین فرهنگ*، دوشنبه، سفارت ایران.

شعر دوست، علی اصغر (۱۳۷۶) *چشم انداز شعر امروز تاجیکستان*، تهران: انتشارات بین‌المللی المهدی.

حسن اکبری بیرق؛ مریم اسدیان (۱۳۹۳) *بررسی تطبیقی کاربرد اسطوره و کهن‌الگو در شعر فروغ فرخزاد و گلرخسار صفی‌آوا (شاعر تاجیک)*، دو فصلنامه علمی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۲، شماره ۱ (پیاپی ۳) بهار و تابستان، صص ۱۶۱-۱۹۶.

توضیح این که تا آنجا که اطلاع دارم، در مورد هویت شعر فارسی در تاجیکستان از طرف پژوهشگران و علاقه‌مندان به ادبیات فارسی، اقدامی صورت نگرفته است.

روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی فراهم گردیده، که زیر مجموعه روش کتابخانه‌ای

می‌باشد، که طبق مطالعه کتاب‌ها و آثار معاصر تاجیکستان و یادداشت برداری از این آثار حاصل آمده است.

مبانی تحقیق

تاجیکستان

تاجیکستان کشوری کوهستانی است، که دست کم هشت میلیون جمعیت دارد، و به وسعت نزدیک به ۱۴۳ ۱۰۰ کیلومتر مربع در آسیای میانه است. این کشور از جنوب با افغانستان از غرب با ازبکستان، از شمال با قرقیزستان و از شرق با چین هم‌مرز است، و بزرگترین شهر این کشور، دوشنبه است، که پایتخت این کشور است. زبان رسمی مردم فارسی است، تاجیکستان با سابقه‌ای تاریخی جایگاه فرهنگ‌های باستانی و ادیان گوناگونی بوده است، که می‌توان آیین بودایی، مسیحیان نسطوری، مزدیسنا، آیین مانوی و دین مبین اسلام را نام برد. این کشور با آن همه پشتوانه تاریخی و فرهنگی متاسفانه مدتی زیر سلطه شوروی سابق قرار گرفت و مجبور شد، سختی‌های زیادی را تحمل کند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی، تاجیکستان مستقل (آزاد) شد، ولی در همین زمان درگیر جنگ‌های داخلی گردید، که از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ به درازا کشید. تاجیکستان، چهار استان دارد. بیشتر مردم، تاجیک‌ها هستند، که به زبان فارسی سخن می‌گویند. زبان روسی نیز در جایگاه زبان دوم آنان قرار دارد (ر.ک: کلباسی، ۱۳۷۴: ۵-۴).

تعریف شعر و رسالت آن

شعر سخنی خیال‌انگیز است، که صاحب نظران وجود وزن و قافیه را برای آن ضروری می‌دانند. خواجه نصیرالدین وزن را به دلیل خیال‌انگیز بودن از فصول ذاتی شعر می‌شمرد. وزن به شعر، زیبایی سحرانگیزی می‌بخشد، و آن را شورانگیز می‌سازد (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۶: ۳).

هویت

هویت ملی تاجیکستان

تمدن، تاریخ کهن و زبان فارسی و دین اسلام، سازنده اصلی «هویت قومی» مردم تاجیک است، که تاجیک‌ها به آن‌ها افتخار می‌کنند، و هم این ارزش‌های پایدار وسیله

انسجام و اتصال این قوم در طول قرن‌های متمادی بوده است. تاریخ به روشنی بیانگر زندگی و هنرنمایی مردان و زنانی است، که از خود گنجینه‌های بزرگی به یادگار گذاشته‌اند، که موجب افتخار ایرانیان است. ابومسلم خراسانی، حنظله بادغیسی، فردوسی، مولوی، رودکی، ناصر خسرو، ابن سینا، بیرونی و... نمونه‌ای بارز از آن بزرگانند. بدیهی است، که زبان فارسی وسیله انکار ناپذیری است، که فارسی‌زبانان در طول زمان‌ها از آن پاسداری کرده‌اند، و در این راه سختی‌ها کشیده‌اند. مهمترین مشخصه‌ای که باعث شکل‌گیری یک قوم می‌شود، «زبان» است. از این جهت است، که سلطه‌گران بر کشورها، در اولین قدم، سعی در از میان بردن زبان ملی مردم کشورهای زیر سلطه خود دارند. اما تعریف هویت از زبان صاحب نظران: هویت اصطلاحی است، که نوعی رابطه میان شخصیت فرد و ساختار اجتماعی را نشان می‌دهد، و هویت نسبتی است، که فرد میان عوالم ذهنی خود و واقعیت زندگی برقرار می‌کند. (فیرهی، ۱۳۸۳: ۴-۵) هویت عامل انسجام بخش و وحدت آفرین بوده، و خصلت تنظیم‌کنندگی را به تمامی آحاد مردم اعطا می‌کند، بنابراین تزلزل و کم‌رنگ شدن آن پایه‌های هم‌بستگی و انسجام اجتماعی را تضعیف می‌کند. (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۸۲) هویت پدیده‌ای است، که از دیالکتیک میان فرد و جامعه است، که شکل می‌گیرد. (برگرو لوکمان، ۱۳۷۵: ۲۳) هویت ملی یکی از انواع هویت است، که فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمام نظام‌های اجتماعی است. بر همین اساس هویت ملی را به عنوان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و کل جامعه تلقی می‌کنند. براساس این تعریف باورها، ارزش‌ها و هنجارها و نهادهای فرهنگی همانند زبان، دین، آداب و رسوم، ادبیات و... جای می‌گیرند. (ر.ک: شادمان قادی و شاه نظر، ۱۳۹۲: ۱۸۱-۲۱۱).

بحث

هرچند با گذشت زمان، وضعیت تاریخی و جغرافیایی کشورها باعث شده است، که تفاوت‌های زیادی، در فرهنگ و ادب و شیوه زندگی مردمی که قرن‌ها در کنار هم می‌زیسته‌اند و دارای دین و زبان و مشترکات فراوان دیگر بوده‌اند، به وجود آید، و در بیشتر

نقاط جهان چنین تغییر و تحولی صورت می‌گیرد، اما آن گاه که به گذشته نگاهی گذرا می‌افکنیم، و سرزمین وسیعی را که روزگاری آن را خراسان بزرگ می‌نامیدند، اکنون، قطعه قطعه شده، می‌بینیم، و هر قسمتی را با حکومتی و پرچمی جداگانه، می‌شناسیم؛ اما علایق و وابستگی‌های فرهنگی دینی و ادبی، در میان ما و مردم این سرزمین‌های جدا شده از هم، به گونه‌ای است، که هرگز نمی‌توان آن‌ها را از یاد برد، و به مکانی که روزی مهد پرورش زبان فارسی و بزرگان ادب این سرزمین بوده است، نیندیشید. از یک طرف کشوری چون افغانستان در کنار ما آرمیده است، که در قرون اخیر، تبدیل به میدان وسیعی برای جنگ و برادرکشی و ایجاد اختلافات ملی و مذهبی، توسط، سیاست‌مداران بیگانه شده است، و از طرف دیگر، تحت فشارهای مری و نامریی برای تغییر زبان و خطی که قرن‌ها بزرگان ما با آن سخن گفته‌اند و مطالب خود را نوشته‌اند و به یادگار گذاشته‌اند، قرار داشته‌اند، اما مقاومت بی‌نظیر عاشقان زبان فارسی، باعث شده است، که همچنان این مشعل فروزان نورافشانی کند و در دنیای امروز که رسانه‌های گروهی ارتباط مردم را به صورت شگفت‌انگیزی، برقرار کرده‌اند، و مرزهای جغرافیایی نمی‌توانند افکار مردم کشورها را از هم پنهان سازند، به سادگی می‌توان، از کم‌ترین اتفاقی که در یک سر دنیا رخ می‌دهد، مطلع شد. بدیهی است، که کوشش‌های علمی و ادبی و فرهنگی مردم کشورهای دیگر با وجود امکانات مدرن موجود، با سرعت باور نکردنی، در دسترس مردم دیگر کشورها قرار می‌گیرد، مخصوصاً اگر مردم کشورهایی با یک زبان خاص و آشنا سخن بگویند، به طوری که ملاحظه می‌شود، در سال‌های اخیر، ارتباط فرهنگی و ادبی، بین دو کشور فارسی‌زبان تاجیکستان و افغانستان با ایران بسیار زیادتر از گذشته شده است، زیرا علاوه بر چاپ کتاب‌هایی به زبان فارسی در داخل و خارج از کشور از شاعران و نویسندگان تاجیکستانی و افغانستانی، صدها سایت و وبلاگ به زبان فارسی، به وجود آمده است، که تازه‌ترین سروده‌ها را از شاعران فارسی‌زبان در اقاصا نقاط دنیا در معرض دید خوانندگان قرار می‌دهد. اکنون در دنیای مجازی، شاهدیم که شاعران و نویسندگانی که در اثر جفای روزگار از خانه و کاشانه خود دور افتاده‌اند، و به کشورهای بیگانه پناه برده‌اند، در سایت‌های خود حضور فعال دارند، و به سادگی می‌شود، با آنان ارتباط پیدا کرد، و از نتیجه

فعالیت هایشان آگاه شد. این پناهندگان که در کشورهای بیگانه با مشقت و سختی زندگی را می گذرانند، و عاشق و شیفته وطن خویشند، سروده های غربتشان چیزی جز رنج نامه های زندگی آنان در شرایط نامناسب نیست، و اگر بخواهیم سروده های کلاسیکشان را به سبک های خاصی ارتباط بدهیم، بهتر است، که بیشتر این سروده ها را جزء مکتب وقوع به حساب آوریم، چرا که بیان حقایقی است، که در زندگی شاعر اتفاق افتاده است، و آن ها را به زبان شعر بیان کرده است.

آنچه درباره سرزمین باستانی ایرانیان در اوستا آمده، نشانگر آن است، که این سرزمین جایی جز ماوراءالنهر نمی باشد. بسیاری از دانشمندان به این باورند، که آریایی ها در دامنه های هندوکش و در کنار جیحون و سیحون می زیسته اند و این منطقه خاستگاه اصلی این قوم است. براساس شواهد و قرائن تاریخی آریاییان بعدها به نواحی جنوبی مهاجرت کرده اند.

سعید نفیسی در این باره چنین می نویسد: «کتاب آسمانی ایران قدیم یعنی اوستا کشوری را نشان می دهد، که آب و هوای آن خلد زمین بود، و اجداد ما نخست در آنجا پرورش یافتند و به قرینه می توان دریافت، که مراد همان ارض معهود ایرانیان و همین خطه دلکش سواحل سیحون و جیحون است ...» (شکورزاده، ۱۳۷۳: ۹).

تیر نظر آرش، در سینه نهان دارم / شه نامه عالم ساز، از فضل کیان دارم
بر قصد کمان بازان، بر رغم کمان سازان / چون ماه نو تهران، ابروی کمان دارم
هستی میهن! هستی هستی، میهن! / بالا ز همه بلند و پستی، میهن!
هر کذب در این دیار حزبی دارد / حزب من بی حزب، تو هستی، میهن!
(صفی آوا، ۱۳۹۵: ۴۱۰)

زبان شعر تاجیکستان

زبان اصلی و مادری مردم تاجیکستان، زبان فارسی است در نتیجه شاعران این دیار هم به زبان فارسی شعر می سرایند. همان زبان شیرین و پر قدرتی که با سروده های شاعران بزرگی چون رودکی، فرخی، منوچهری، مولوی و بزرگان دیگری همانند: حکیم فردوسی،

استاد سخن سعدی و حافظ شیرین سخن است، که «صیت سخنش در بسیط زمین رفته ...» و کام عاشقان شعر و ادب را خوش گردانیده است.

«گروسه» (Grousset) مستشرق فرانسوی دربارهٔ ایران می‌نویسد: شاعران ایران جهانی را متمتع کرده‌اند. احساساتی که شاعران ایرانی ابراز می‌دارند، دقیقاً یک فرانسوی را مانند یک هندی و یک ترک را مانند یک گرجی تحت تأثیر قرار می‌دهد. باید گفت: عارفان ایران با اینکه کاملاً مسلمانند، اما همان قدر، قلب یک مسیحی را به تپش در می‌آورند، که دل یک برهمن را و به همین جهت به تمام بشریت تعلق دارند، گوته شاعر بزرگ آلمانی دربارهٔ حافظ می‌گوید: «ای حافظ، سخن تو همچون ابدیت بزرگ است، زیرا آن را آغاز و انجامی نیست، کلام تو چون گنبد آسمان تنها به خود وابسته است، و میان نیمه غزل با مطلع و مقطعش فرقی نمی‌توان گذاشت، چه همهٔ آن در حدّ جمال و کمال است (سایت زبان پارسی) اغلب محققان بر این قول متفقند، که مراد از زبان دری، لهجهٔ نواحی شمال شرقی ایران است، که پس از ظهور اسلام مورد توجه شاعران و نویسندگان قرار گرفت. بهار، در سبک شناسی با استناد به برهان قاطع، پارسی دری را «زبان مردم خراسان و مشرق ایران و بلخ و بخارا و مرو» می‌شمارد (ر.ک: بهار، ج ۱، ۱۳۶۹: ۱۹).

دکتر ذبیح الله صفا در جلد نخست تاریخ ادبیات در ایران این گونه می‌نویسد: «در این نکته اکنون بحثی نیست، که در دورهٔ اسلامی، هنگامی که سخن از زبان دری یا پارسی دری می‌رود، مراد زبان مردم خراسان و ماوراءالنهر است، و این حقیقت را شواهد مختلف ثابت می‌کند. لهجات خراسان و بیشتر از بلاد ماوراءالنهر هم به یکدیگر نزدیک و از یک دسته لهجه‌های متقارب بودند» (صفا، ۱۳۵۶: چ پنجم، ج اول، ۱۵۸).

ای زبان بلعمی و رودکی
مهر تو پرورده ام از کودکی

شاهنامه با تو آب و رنگ یافت
در جهان، خلقم ز تو فرهنگ یافت

(رحیم، ۱۳۸۸: ۴۲۳)

این لفظ دری چقدر شیرین باشد
افشاگر احساس دل و دین باشد

خواهم که کتاب شعر سعدی بزرگ
یک عمر مرا کنار بالین باشد

(بهار، ۱۳۸۸: ۴۲۷)

نگه دارم زبان مادری را
زبان صنعت و ایمان و عرفان
کلام تازه لفظ دری را
زبان رودکی، آن مرغ خوشخوان
(شریف، ۱۳۸۸ : ۴۴۲)

دین و مذهب

ورود اسلام به ایران زمین، آغاز مرحله رشد و شکوفایی فرهنگ و ادبیات را در پی داشت. شاید بتوان گفت: هیچ تحولی در طول تاریخ، همچون ورود اسلام به رشد و ترقی علمی و فرهنگی مردمان و سرزمین مورد بحث نینجامیده است. انکار این واقعیت بیش از هر چیزی انکار تمامیت میراث فرهنگی و علمی ایرانیان و تاجیکان است. دین اکثریت مردم تاجیکستان اسلام است، بر اساس آخرین آمار موجود مسلمانان ۹۰ درصد جمعیت تاجیکستان را تشکیل می دهند، حقانیت دین اسلام در دل مسلمانان این دیار و عشق به آن اثری عمیق نهاده، به طوری که حکومت ضد دین کمونیستی سابق شوروی بعد از سالها سخت گیری بر مسلمانان و ویران کردن مساجد و عبادتگاه هایشان بالاخره در این دیار شکست خورد، و مسلمانان همچنان اعتقادات خود را حفظ کرده اند، و مراسم مربوط به دین اسلام را با شکوه تمام بر پا می دارند.

بیش از هفتاد سال حاکمیت کمونیست ها بر آسیای میانه تفاوت های بارزی بین کشورهای استقلال یافته وجود دارد، که بیشتر در تاجیکستان به چشم می خورد، و به مسائل فرهنگی تاجیکستان با ایران بر می گردد. این وجه تمایز نسبتاً قابل توجه، سبب بروز و گسترش اسلام سیاسی در تاجیکستان شده است؛ زیرا با دسترسی به متون و منابع اسلامی که به زبان فارسی منتشر شده اند، به ویژه کتاب های شهید مطهری، تحول نسبتاً عمیقی در نگرش عموم مردم به خصوص عناصر جریان اسلام سیاسی معاصر در تاجیکستان نسبت به مسائل سیاسی، اقتصادی و مشکلاتی که جهان اسلام با آنها دست به گریبان است، به وجود آمده است، همین امر سبب شده است، تا اصول مبارزات آنها از عمق تئوریک و اعتقادی بیشتری برخوردار شود. به همین علت، آن استحکام عقیدتی که در مبارزات اسلامی معاصر در تاجیکستان وجود دارد، تقریباً در هیچ یک از جریان های دیگر مذهبی با

گرایش‌های سیاسی که در آسیای مرکزی و قفقاز فعال‌اند، دیده نمی‌شود. بر این اساس، تاجیکستان را می‌توان مهد اسلام سیاسی در آسیای مرکزی دانست، زیرا حوادث تاریخ نیم قرن به ویژه قرن (میلادی) اخیر آسیای میانه، این جمهوری را از سایر جمهوری‌های مسلمان نشین منطقه متمایز می‌کند. در نگاه اول، مردم این جمهوری نیز همانند مسلمانان سایر کشورهای منطقه، به ویژه پس از اعلام استقلال از شوروی، ضمن انجام مراسم مذهبی اعم از حضور در نمازهای جماعت و جمعه و برگزاری مراسم عزا و اعیاد مذهبی، سایر دستورهای عبادی اسلامی را در حدّ توان و سطح علمی و دینی خود به جا می‌آورند. اما تعداد زیادی از رهبران دینی این جمهوری با نگرش نسبتاً واقع‌بینانه خود به اسلام، موجب گسترش اسلام سیاسی در منطقه شدند. این نگرش واقع‌بینانه، پذیرش اسلام به عنوان دین سیاست، اقتصاد، اجتماع و در یک کلام دین زندگی از ولادت تا مرگ است، و برای اجرای آن نیز با برنامه تقریباً حساب شده‌ای، ابتدا در قالب سازمان جوانان به صورت مخفیانه و سپس حزب نهضت اسلامی به صورت علنی، مبارزه فرهنگی و سپس سیاسی و در نهایت مبارزه نظامی با رژیم حاکم را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. بدین ترتیب، برای بررسی اسلام و اسلامگرایی در تاجیکستان، ناگزیر از بررسی حزب نهضت اسلامی تاجیکستان به عنوان بارزترین جریان اسلام سیاسی در این جمهوری هستند (ر.ک: محمودی، ۱۳۸۲: وب).

ماه رمضان

یک بار دگر همدم ماه رمضانیم
 بیرون ز چه نفس و هوا و هوس آییم
 برخیز که تا خانه دل را بتکانیم
 خود را به سراپرده جانان برسائیم
 (قادری، ۱۳۸۸: ۴۶۸)

زمین و آسمان غرق عزایند
 بگریید ای مسلمانان، بگریید
 به یاد کشتگان کربلایند
 که مرغان هوا هم با شما در نوایند
 (قادری، ۱۳۸۸: ۴۶۹)

چراغ گلشنی بر ما محمد(ص)
 در این دنیا در آن دنیا محمد(ص)
 (سید زاده، ۱۳۸۸: ۵۰۰)

ماه رمضان

خواجه برخیز که ماه رمضان باز آمد
غافل از آن منشین، راز عبادت درباب
ماه تسبیح خداوند جهان باز آمد
عشق حق سوی دل و دیده و جان باز آمد
(نگار، ۱۳۸۸: ۶۶۶)

هر شب قدر، شب وحی، شب شکفتن
عشق با نام محمد ز نهران باز آمد
(نگار، ۱۳۸۸: ۶۲۶)

ما در نبرد خصم، دلاور چو حیدریم
در سنگر نماز چو اصحاب مصطفی
از بهر حفظ ملت و دین شیر صفدریم
صف بسته‌ایم و مانع فحشا و منکریم
(فاضل زاده، ۱۳۸۸: ۶۲۷)

برای امام خمینی

مردی از مردان عالم شد بلند
با دمی همچون نفس‌های بهار
این چنین کس در جهان کم شد بلند
با دمی برنده همچون ذوالفقار
(دولت، ۱۳۸۸: ۶۲۶)

قومیت

به علت تسلط اقوام تاجیک بر زبان فارسی و نوشتن با این زبان، که قرن‌ها زبان شاعران و نویسندگان بزرگ سرزمین خراسان بوده است، و نیاز حاکمان به کاتبان و شاعران به خط و زبان فارسی، جایگاه خاصی، در حاکمیت‌ها داشته‌اند و علاوه بر این توانسته‌اند، تعداد زیادی از اقوام دیگر مانند پشتون و ترک را نیز جزء جمعیت فارسی‌زبانان کنند. اما در صد سال اخیر مفهوم تاجیک در افغانستان چه بوده است. روال معمول این بوده، که فارسی زبان‌های افغانستان که به آنها فارسیوان خطاب می‌شده، خود را از دید، هویتی تاجیک معرفی می‌کردند، و این الزاماً معنی‌اش این نیست، که هر فارسی‌زبان تاجیک است. ادغام دیگران در اقوامی که ریشه‌شان به تمدن صحرا می‌رسد، خیلی سخت و حتی ناممکن است، اما ادغام با هویت تاجیک و حتی پنهان شدن در آن آسان است. تنها هویت تاجیک، زبان و فرهنگ است و هر که به این زبان و فرهنگ روی آورد، تابعیت قومی تاجیک را از آن خود

می‌کند و کسی از او نمی‌پرسد، که از کدام سلسله تاجیکان است، چنانچه بلوچ‌های بدخشان و تخار و بختیارها و قزلباش‌های غزنی همه در تذکره‌هایشان تاجیک نوشته است.

به پرده تا به چندین راز تاجیک
بیا بنشین، شنو آواز تاجیک
(شعر دوست، ۱۳۷۶: ۹۲)

سرحد تاجیک زبان تاجیک است
تا زبان دارد، وطن‌دار است
(شعر دوست، ۱۳۷۶: ۹۶)

من آریایی پاکم که از سموم فلک / نسوخت ریشه عمر دیار و دنیا / ز پشت کلبر هر شاخه پر از بارم / جوانه‌های امید بهار می‌زاید (نورعلی، ۱۳۸۸: ۶۵۱).

آل سامان

مسندی در حلقه صحرائشینان / بوستانی در میان شوره‌زاران / گلخنی در لابلای کو دود / پهلوانی در میان ناتوانان (شیرعلی، ۱۳۸۳: ۷۱).

سغدیان هر گه به کوی دوست مهمان می‌شدند / دست‌آویزی برای دوست آتش داشتند / یعنی چون آتش فروزان بود در دل مهرشان / یعنی ایمان و دل و بی‌داغ و بی‌غش داشتند (شیرعلی، ۱۳۸۳: ۷۲).

فرهنگ ملی

فرهنگ تاجیکستان فرهنگی چند هزار ساله و غنی است. تاجیکستان کشوری فارسی‌زبان، مسلمان و واقع در فرارود و آسیای میانه است، که این موارد یعنی دین اسلام، زبان فارسی و تاریخ پر فراز و نشیب فرارود شالوده‌های فرهنگی تاجیکستان را تشکیل داده‌اند. تاجیکستان رسوم و آداب محلی بسیاری دارد، که برخی از آن‌ها مانند نوروز در میان کشورهای منطقه نیز موجود است. تاجیک‌ها مردمانی سخت‌کوش، پاک‌اندیش، میهمان‌نواز، وطن‌دوست و با ایمان می‌باشد. باورشان به قول و قرار از همه مردم استوارتر و بر مبنای درستی و پاک‌دلی است، در درستی سرشناس‌اند. موسیقی و رقص سنتی از پایه‌های زندگی آنان می‌باشد. به دلیل کمتر توسعه‌یافتگی و تأثیرپذیری کم تاجیکستان از فرهنگ غربی، این کشور بسیاری از رسوم و ویژگی‌های فرهنگی خاص خود را حفظ کرده است؛ که از جمله آن‌ها پوشاک مردم تاجیک است. قصه‌خوانی، توجه به آداب نیاکان، غذاهای محلی و هنرهای

نمایشی از دیگر ویژگی های فرهنگی تاجیکستان است.

نوروز می درآید هم چون عروس از در
شد خانه های مردم، از بوی گل معطر
هر خانه شد پر از فیض، از نو، بهار آمد
با بوی هفت میوه صوت دو تار آمد
(خالق، ۱۳۸۸: ۵۶۳)

نوروز نو و سال نو آمد
پوشیده به تن پیرهن تازه طبیعت
در کشور دل فیض فرحبار نو آمد
بلبل به نوای گل و گلزار نو آمد
(رحیم زاده، ۱۳۸۸: ۳۱۶)

سده صد ره گشاید سوی نوروز
ثنا گویم به این جشن نیاکان
به روی ما نماید روی نوروز
که در سرما رساند بوی نوروز
(گل نظر کلدی)، (khover.tj)

از هوشنگ آمد به ما جشن سده / جشن شاهان بزرگ / آتشی که در سده روشن شود /
هست رمز روح مردان بزرگ / خیز، تا جشن سده بر پا کنیم / رسم اجدادی خود احیا
کنیم (علی محمد مرادی) (khover.tj).

حکومت

در نهم سپتامبر ۱۹۹۰ شورای عالی تاجیکستان به استقلال تاجیکستان رأی داد.
قدرالدین اصلانف، رئیس شورای عالی و کفیل ریاست جمهوری، فعالیت حزب کمونیست
را ممنوع و دارایی آن را ملی کرد، اما شورای عالی — که اکثر نمایندگان آن کمونیست
بودند — اصلانف را بر کنار و رحمان نبی اف را جانشین وی کرد، و ممنوعیت فعالیت
حزب کمونیست را لغو نمود. در ششم اکتبر شورای عالی در نتیجه فشار مخالفان، فعالیت
حزب کمونیست را به حال تعلیق درآورد و فعالیت حزب نهضت اسلامی را آزاد اعلام
کرد. نبی اف بلافاصله پس از آن از کفالت ریاست جمهوری استعفا کرد، تا زمینه برگزاری
انتخابات فراهم شود. انتخابات ریاست جمهوری سرانجام در ۲۴ نوامبر ۱۹۹۱ برگزار و
نبی اف با ۵۷٪ آرا رئیس جمهور شد. رقیب اصلی وی، دولت خدانظروف، که از پشتیبانی
احزاب اصلی مخالف کمونیست های پیشین برخوردار بود، ۳۴٪ آرا را به دست آورد، هر

چند که مخالفان صحت برگزاری انتخابات را رد کردند. در ماه بعد تاجیکستان به عضویت جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع درآمد. حکومت تاجیکستان ریاستی است، دارای چهار استان است. بیش از هشت میلیون نفر جمعیت دارد. اکثر آن‌ها تاجیک‌ها هستند، که به زبان فارسی سخن می‌گویند. بسیاری از تاجیکستانی‌ها زبان روسی را نیز می‌دانند.

بر دولت ما آفرین، در شش یک روی زمین شد کشور از او نازنین، لنین، برادر، رهنما
 دامان همت برزده، بنیاد ظلم از بن زده نیکلا را برهم زده، لنین، برادر رهنما
 (ولی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۸۹-۲۹۰)

ستالین گفتم و راندم زمین را زمین بیچاره بود، بیچاره‌تر شد
 ستالین گفتم از بند جگر لیک جگر صد پاره بود، صد پاره‌تر شد
 (شیرعلی، ۱۳۸۳: ۲۳۷)

نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن حوادث تاریخی و اتفاقاتی که در خارج و داخل کشور تاجیکستان رخ داده است، و سرنوشت مردمی اصیل و ریشه‌دار که از تاخت و تازهای کشورهای استعمارگر و حرکات سیاسی- نظامی آن کشورها صدمات سختی دیده‌اند و هنوز زخم‌های عمیقی بر پیکر فرهنگ و هویت ملی و مذهبی خود دارند، لازم است؛ که در همه زمینه‌های سیاسی و فرهنگی تلاش به عمل آورند، تا نسل جدید خود را به ارزش‌های کهن میراث گذشتگان خود آگاه کنند، و دوستان و دشمنان خود را بشناسند، تا از فرصت‌های موجود، بهره‌های لازم را ببرند، و مسیر واقعی خود را که باعث شکوفایی استعداد آنان می‌شود، در پیش بگیرند. از آن جا که گفته‌اند: «کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من»، در مرحله اول خود مردم شرافتمند تاجیکستان بیشتر از دیگران قدر استقلال و داشتن هویت ملی و فرهنگی غیر وابسته را بدانند و در مرحله بعد همسایگانی آنان که از زبان و فرهنگ یکسانی برخوردار هستند، به یاری مردم این کشور استقلال یافته بشتابند، و تجربیات خود را به آنان بیاموزند و امکانات لازم را در اختیار آنان قرار دهند، تا با گذشت زمان بسیاری از زبان‌های مادی و معنوی خود را جبران کنند، و به ارزش‌های موجود خود افتخار کنند. بدیهی است که چه قبل و چه بعد از استقلال کشور تاجیکستان، جمهوری اسلامی سخاوتمندانه خدمات

با ارزشی برای راه اندازی چرخه فرهنگ و گسترش چاپ کتاب‌ها و آموزش خط فارسی، انجام داده است، و زمینه ارتباط سالم و خیرخواهانه بین دو ملت را فراهم آورده است.

منابع

کتاب‌ها

- بهار، محمدتقی (۱۳۶۹) سبک‌شناسی، چاپ پنجم، جلد اول، تهران: امیرکبیر.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی هویت ایرانی، تهران: انتشارات کمیل.
- فیرهی، داود (۱۳۸۳) نسبت هویت و خرده هویت‌ها، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- شکورزاده، میرزا (۱۳۸۵) تاجیکان در مسیر تاریخ، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- شعر دوست، علی اصغر (۱۳۹۱) پیکی از سرزمین فرهنگ، دوشنبه: سفارت ایران.
- شعر دوست، علی اصغر (۱۳۷۶) چشم‌انداز شعر امروز تاجیکستان، تهران: انتشارات بین‌المللی المهدی.
- شیرعلی، لایق (۱۳۸۳) کلیات اشعار لایق شیرعلی، تهران: پژوهشگاه اشعار لایق شیرعلی.
- صابر، بازار (۱۹۸۴) آتش برگ، دوشنبه: انتشارات عرفان.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۵۶) تاریخ ادبیات در ایران، چاپ پنجم، جلد اول، تهران: امیرکبیر.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۴) فارسی ایران و تاجیکستان، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات چاپ اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۸) از ساقه تا صدر، تهران: نشر قدیانی.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۹) ادبیات فارسی، تهران: وزارت آموزش و پرورش.

مقالات

- اسدیان، مریم؛ اکبری بیرق، حسن (۱۳۹۳) بررسی تطبیقی کاربرد اسطوره و کهن‌الگو در شعر فروغ فرخزاد و گلرخسار صفی آوا (شاعر تاجیک)، دو فصلنامه علمی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۲، شماره ۱ (پیاپی ۳)، صص ۱۶۱-۱۹۶.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۵) مقدمه‌ای بر شناخت قوم تاجیک، تاجیکان در مسیر تاریخ،

صص ۹۸-۹۳.

برگرو لوکمان و پترل، توماس (۱۳۷۵) ساخت اجتماعی واقعیت خانواده و هویت ملی، در شهر دوشنبه تاجیکستان در هویت ملی، صص ۲۳-۴۵.

شادمان قادی و شاه نظر (۱۳۹۲) خانواده و هویت ملی، با تاکید بر تاثیرات خانواده در شهر دوشنبه تاجیکستان در هویت ملی، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره دوم، شماره ۳، صص ۱۸۱-۲۱۱.

علی اکبرزاده، مرجان (۱۳۹۱) از روسیه پرستی تا روسیه گریزی در شعر معاصر تاجیکستان، فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۲، صص ۱۵۳-۱۶۸. محیط طباطبائی، محمد (۱۳۸۵) درباره لفظ تاجیک و تات، مجله آینده، سال دوازدهم، صص ۳۴۹-۳۴۳.

محمودی، محمد علی (۱۳۸۲) اسلام گرایی در تاجیکستان، فصلنامه مطالعاتی پژوهشی نهضت، سال چهارم، شماره ۱۳، وب. نفیسی، سعید (۱۳۸۵) سرزمین نیاکانم، تاجیکان در مسیر تاریخ، تهران: انتشارات بین المللی الهدی، صص ۳۹-۳۷.

وب سایت

www.khover.tj

References:

Books

Bahar, Mohammad Taghi (1990) **Stylistics**, fifth edition, first volume, Tehran: Amirkabir.

Hajiani, Ebrahim (2009) **Sociology of Iranian Identity**, Tehran: Kamil Publications.

Firahi, Davood (2004) **The Relationship between Identity and Sub-Identities**, Tehran: University Jihad Publishing.

Shakurzadeh, Mirza (2006) **Tajiks in the Path of History**, Tehran: Al-Huda International Publications.

Poetry Friend, Ali Asghar (2012) **A courier from the land of culture**, Monday: Embassy of Iran.

Poetry Friend, Ali Asghar (1997) **The Perspective of Today's Tajik Poetry**, Tehran: Al-Mahdi International Publications.

Shir Ali, Layegh (2004) **General Poems of Layegh Shir Ali**, Tehran: Layegh Shir Ali Poetry Research Institute.

Saber, Bazaar (1984) **Atash Barg**, Monday: Erfan Publications.

Safa, Zabihollah (1977) **History of Literature in Iran**, Fifth Edition, Volume One, Tehran: Amirkabir.

Kalbasi, Iran (1995) **Persian Iran and Tajikistan**, Tehran: Ministry of Foreign Affairs, First Printing and Publishing Institute, Office of Political and International Studies.

Mousavi Garmaroodi, Ali (2009) **From Stem to Sadr**, Tehran: Ghadyani Publishing.

Vahidian Kamyar, Taghi (1990) **Persian Literature**, Tehran: Ministry of Education.

Articles

Asadian, Maryam; Akbari Biragh, Hassan (2014) **A Comparative Study of the Application of Myth and Archetype in the Poetry of Forough Farrokhzad and Golrokh Sar Safi Ava (Tajik Poet)**, Bi-Quarterly Journal of Natural Literature Research, Volume 2, Number 1 (3), pp. 161-196 .

Afshar Sistani, Iraj (2006) **An Introduction to the Knowledge of the Tajik People**, Tajiks in the Path of History, pp. 98-93.

Bergrolukman Utril, Thomas (1996) **The Social Construction of the Family and National Identity**, in Dushanbe, Tajikistan on National Identity, pp. 23-45.

Shadman Qadi and Shahnazar (2013) **Family and National Identity, with Emphasis on the Effects of Family in Dushanbe**, Tajikistan on National Identity, Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies, Volume 2, Number 3, pp. 181-211.

Ali Akbarzadeh, Marjan (2012) **From Russianism to Russian Apostasy in Contemporary Tajik Poetry**, Quarterly Journal of Educational and Lyrical Research in Persian Language and Literature, No. 12, pp. 153-168.

Mohit Tabatabai, Mohammad (2006) **on the word Tajik and Tat**, Ayandeh Magazine, Year 12, pp. 349-343.

Mahmoodi, Mohammad Ali (2003) **Islamism in Tajikistan**, Movement Research Quarterly, Fourth Year, No. 13, Web.

Nafisi, Saeed (2006) **The Land of My Ancestors**, Tajiks in the Path of History, Tehran: Al-Huda International Publications, pp. 39-37.

website

www.khover.tj

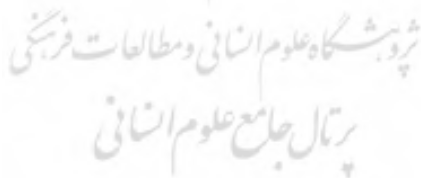
Identity in Contemporary Tajik Poetry

Forough Nafisi¹, Dr. Hossein Esmaili², Dr. Roghayeh Ebrahimizad³

Abstract

The sweet Persian language has its roots in the depths of history, which is the year of Iran. This language is very effective as a weapon, to protect the rich and rich culture of the Iranian people against the destructive events and damages of the time. Now, with the independence of Tajikistan, it has once again shown its strength in fighting foreign language invasion, and has been able to block the entry of foreign slogans and literature, and against the old Persian language, which is free, to a class from that region. Take off your clothes, and be replaced by a foreign language of control, embrace, and take a new path. After years of efforts and struggle to adopt the Persian language and the independence of this independent country, in the works of poets and writers of this method, love for the heritage of the past, ie Islamic culture and Persian language and literature have been clearly observed in this article. The works of contemporary Tajik poets are examined in a descriptive-analytical way.

Keywords: identity, poetry, Tajikistan, language, religion, ethnicity.



¹. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Gachsaran Branch, Islamic Azad University, Gachsaran, Iran. forough.nona@gmail.com

². Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Gachsaran Branch, Islamic Azad University, Gachsaran, Iran. (Responsible author) Esmailihosien7@gmail.com

³. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Gachsaran Branch, Islamic Azad University, Gachsaran, Iran. R.ebrahimizad@gmail.com